

صادق همایونی

شاهنامه



کوه است

کوهی عظیم و خاره و بشکوه

*

درباست گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دربای پریم و طوفانی
پرتال جامع علوم انسانی

*

سنگین ترین حماسه شعر است

زیباترین حماسه تاریخ

*

بوی گذشته‌های دور می‌آید

- چون اسپند-

از افسانه‌های گرم و دلاویزش

*

استاد پیرتوس
با دستهای معجزه‌گر خویش
با روح عاصی و طوفانی
پیوند داده پارسی پاک را
- در روزگار تیره ناپاکی سخن -
با اسطوره‌های کهن
و افکنده پی

کاخی رفیع و سربفلك سوده

او

در شاهنامه‌اش

باز آفرین پاکدلیهای ملت خویش است
همراه با غرور

*

« رستم » حدیث روح نژاد است پرتلاش
کز مکرها و طعنه‌ها و ستم‌ها زیبا نمی‌افتد
پیکار می‌کند

پیکار می‌کند انسانی و مطالعات فرهنگی

تا ستیغ شکوه آفرین پیروزی

*

« سهراب » بازی تقدیر است

اما چه شوم، چه غمگین، چه جانگزا

*

« ضحاک » مظهر بیداد است

خون جوان و متزجوان میدهد به مار
ماری که رسته روی شاندهای چپ و راست
تا زنده ماند و زنجیر ظلم را

سنگین تر، برپای مردم درمانده افکند

*

«کاو» طلوع کوب آزادیست
بر تیره شام ظلم و ستم ای دوست

*

در شاهنامه


هر چه هست

حدیث یگانگی است

*

از کوه شاهنامه آتش می‌روید
وز دشت شاهنامه

آهن و پولاد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی